

Grenfell Tower Inquiry

پاسخ رئیس تیم تحقیقات به اظهاریه های ارائه شده در جلسه دادرسی رویه ای در 3 سپتامبر 2018

1. در پایان جلسه دادرسی در تاریخ 2 ماه اوت 2018 اظهار داشتیم که یک جلسه دادرسی رویه ای مختصر را در تاریخ 3 سپتامبر 2018 برگزار خواهیم نمود تا اظهاریه های مختلف راجع به چهار موضوع ذیل را بررسی نمایم:
 - (الف) ماهیت شواهدی که قرار است از افسران ارشد اداره آتش نشانی لندن به عنوان بخشی از مرحله اول اخذ شود و محدودیت های مربوطه در این زمینه؛
 - (ب) برنامه اخذ شهادت از خانواده های داغیده، بازماندگان و ساکنین محل و در صورتیکه امکان رسیدن به توافق روی این مسئله وجود نداشته باشد، رویکرد موجود به هر گونه ترتیبات خاص که ممکن است برای آنها و سایرین مورد نیاز باشد؛
 - (ج) تهیه و ارائه شهادت مورد نیاز برای اجرای وظیفه مندرج در ماده 2 در ارتباط با هر کدام از جان باختگان و برنامه اجرای آن؛ و
 - (د) رویکردی که قرار است برای شناسایی و تدوین توصیه های بالقوه برخواسته از شواهد ارائه شده در مرحله اول اتخاذ شود.
 2. من از پیش، اظهاریه های کتبی محدود به پنج صفحه را مطالبه نمودم. درحقیقت، اظهاریه های وکلا و مشاورین حقوقی که از 3 دسته گروه خانواده های داغیده، بازماندگان و ساکنین محل و 11 شرکت کننده اصلی دیگر نمایندگی می کنند را دریافت نمودم که کپی های این اظهاریه ها در وبسایت تیم تحقیقات منتشر خواهد شد. در برخی از این اظهاریه ها به عرصه هایی وارد شده است که در رابطه با آنها درخواست اظهاریه نشده بود اما تا حدودی جزو حجم موادی محسوب می شوند که مجبور بوده ام آنها را بررسی نمایم.
 3. من اظهارات شفاهی بیشتری را در جریان یک جلسه دادرسی کوتاه در 3 سپتامبر دریافت نمودم. یک رونوشت از جریان دادسی در وبسایت تیم تحقیقات در دسترس است. حالا که فرصت بررسی اظهارات شفاهی و اظهاریه های کتبی ارائه شده را داشته ام، درموقعیتی قرار دارم که می توانم به این اظهارات پاسخ بگویم. من قصد ندارم که پاسخ خود را با جزییات زیاد ارائه نمایم. پرداختن به نکات اصلی مطرح شده در ارتباط با هر کدام از چهار موضوعی که در بالا ذکر نمودم کافی خواهد بود اگرچه من برخی از سایر نکات مطرح شده توسط شرکت کنندگان اصلی را نیز مورد بررسی قرار خواهم داد.
- (الف) شواهدی که قرار است از افسران ارشد اداره آتش نشانی لندن در مرحله اول ارائه شود**
4. تمرکز اصلی سؤالات از مأمورین آتش نشانی که تا به حال شهادت داده اند، روی سهم گیری آنها در روند مقابله با آتش سوزی و نجات ساکنین ساختمان بوده است اما برای اینکه شهادت آنها در چارچوب مناسب آن قرار داده شود،

بناچار، از آنها راجع به آموزش، تجربه و آشنایی آنها با ابعاد مختلف اسناد مربوط به خط مشی اداره آتش نشانی لندن تاجاییکه به حوادث اتفاق افتاده در برج گرنفل ارتباط داشته است، سؤال شده است. بجز از چند مورد استثنایی، از آنها راجع به مسائل گسترده تر مربوط به اداره و یا تجهیزات اداره آتش نشانی لندن سؤال نشده است. انحراف به سمت چنین عرصه هایی در این مرحله نامناسب خواهد بود، به این دلیل که مقام بیشتر این شاهدان به اندازه کافی ارشد نبوده است تا مسئولیت چنین موضوعاتی را بر عهده داشته باشند و همچنین به این دلیل که سؤالاتی که تیم تحقیقات به دنبال پاسخ آنها در مرحله اول است، مربوط به موضوعاتی از قبیل ریشه آتش سوزی، عوامل گسترش آن به تمام ساختمان و مرگ وحشتناک افراد و پاسخ خدمات اضطراری به آنها می باشد.

5. برخی از شرکت کنندگان اصلی اظهار داشته اند که باید از افسران ارشد اداره آتش نشانی لندن که در جریان هفته های آینده به ارائه شهادت خواهند پرداخت، خواسته شود تا به طیف وسیع تری از سؤالات که فراتر از سهم گیری شخصی آنها در رویدادهای 14 ژوئن 2017 است، پاسخ دهند. به صورت عموم، من فکر نمی کنم که این کار مناسب باشد. به عنوان مثال، سؤالات مربوط به سازمان و طرز کار اداره آتش نشانی لندن، روند به روزرسانی سیاست ها، تهیه تجهیزات، نقش بابکوک به عنوان ارائه کننده آموزش ها، و آموزش مأمورین آتش نشانی، عموماً و طبیعتاً در حوزه کاری مرحله دوم قرار می گیرد. این مسائل به صورت سیستماتیک در اظهاریه های شهود که توسط پلیس اخذ شده است، شامل نشده است که اگر چنین می بود، نوع بازجویی متفاوتی را به همراه می داشت و این امر مستلزم به اشتراک گذاری و تحلیل تعداد بیشتری از اسناد جهت بررسی آنها خواهد بود. هم برای تیم تحقیقات و هم برای خود افسران، نامطوب خواهد بود که راجع به موضوعاتی از این قبیل از آنها سؤال شود بدون اینکه در ابتدا اظهاریه های شهود مرتبط با این موضوعات اخذ شود که از میان سایر چیزها، اسناد مرتبط را در نظر خواهد گرفت. این کار به صورت قابل توجهی، ریسک گسترش عرصه کاری مرحله اول و همچنین ریسک تأخیر غیرقابل قبول در روند تحقیقات را به همراه خواهد داشت.

6. اما من با وکلای گروه 4 (G4) خانواده های داغیده، بازماندگان و ساکنین محل موافقم که مناسب خواهد بود تا از افسران ارشد راجع به درک شان، در 14 ژوئن 2017، از موضوعاتی که مستقیماً به اقدامات آنها در رابطه با رویدادهای آن شب ارتباط دارد، سؤال شود. این موضوعات شامل موارد ذیلی می شود: آموزش و خط مشی مربوط به موضوعاتی همچون مقابله با آتش سوزی در ساختمان های مرتفع به صورت عموم، دانش مربوط به خطر وقوع آتش سوزی در پوشش ساختمان و چگونگی پاسخ دادن به آن، نقض قواعد جداسازی بخش های مختلف در ساختمان های مرتفع، پاسخ به تماس های اضطراری از اعضای حکومت و مدیریت راهنمایی نجات از آتش سوزی، دلایل سیاست "باقی ماندن در آپارتمان در هنگام آتش سوزی در یک آپارتمان دیگر" (stay put) و کاربرد آن، ابزارهای تخلیه مردم و خطرات مرتبط، و فرماندهی و کنترل به صورت عموم (از جمله استفاده از تجهیزات رادیو و کامپیوتر و مؤثریت آن). از آنها باید راجع به تمام این موضوعات تا جاییکه مربوط به اقدامات و تصمیمات اتخاذ شده در شب آتش سوزی می شود، سؤال گردد. در این چارچوب، مرز بین مرحله اول و مرحله دوم به خوبی روشن نیست و همانطوریکه در گذشته خاطر نشان ساختم، در این زمینه باید یک رویکرد انعطاف پذیر اتخاذ شود. من برای تصمیم گیری پیرامون اینکه در ارتباط با هر شاهد مورد نظر، خط فاصل بین مرحله اول و مرحله دوم چگونه ترسیم گردد به نظر وکیل تیم تحقیقات متکی خواهم بود. اما وکلای شرکت کنندگان اصلی می توانند طرح و ترتیب سؤالات خود را پیشنهاد نمایند همانطوریکه فعلاً نیز این کار را انجام می دهند.

7. موضوعاتی وجود دارد که تیم تحقیقات می خواهد از افسران ارشد راجع به آنها تحقیق کند اما به باور من این نوع موضوعات مطمئناً باید به مرحله دوم واگذار شود. به عنوان مثال، اینکه آیا ساختار، مدیریت و بودجه موجود در اداره آتش نشانی لندن به صورت عموم بر قابلیت آنها برای خاموش کردن آتش (عرصه ای از سؤالات که توسط وکیل گروه 11 (G11) پیشنهاد شده است) تأثیر گذاشته است، موضوعی است که از نظر من باید تا جاییکه امکان دارد، در

مرحله بعدی مورد پیگیری قرار گیرد. به اساس شواهد، سایر موضوعات از قبیل تهیه و نگهداری تجهیزات مورد نیاز برای ارتباطات مؤثر و مدیریت عملیات های آتش نشانی در محل آتش سوزی و همچنین بین محل آتش سوزی و اتاق کنترل، نیز باید در مرحله دوم مورد بررسی قرار گیرد. لذا از نظر من لازم خواهد بود تا از بعضی از افسران ارشد که در مرحله اول به ارائه شهادت پرداخته و یا خواهند پرداخت، خواسته شود تا دوباره برای شهادت بیشتر در مرحله دوم مراجعه نمایند. تیم تحقیقات نیز تمایل خواهد داشت تا نظریات سایر کسانی که تا به حال اظهارات شان اخذ نشده است را بشنود.

8. وکلای گروه 3 (G3) و گروه 11 (G11) اظهار داشتند که باید به آنها اجازه داده شود تا از افسران ارشد اداره آتش نشانی لندن سؤال نمایند و این کار به نفع سهم گیری موکلین آنها خواهد بود و به عنوان ابزار تحقق یک اساس واقعی درست برای یافته های تیم تحقیقات عمل خواهد نمود. متأسفانه من با این نظر موافق نیستم. قواعد تحقیقات روشن ساخته است که به اساس مفاد خود قاعده 10، شهود توسط وکلای تیم تحقیقات مورد سؤال قرار می گیرند. دلایل خوبی برای این امر وجود دارد. وکیل تیم تحقیقات احتمالاً دارای بهترین درک در این زمینه است که چه نوع اطلاعاتی احتمالاً می تواند به کار تیم تحقیقات کمک نماید و کسانی که برای ارائه شهادت احضار می شوند می توانند این اطمینان را داشته باشند که آنها توسط یک وکیل بی طرف مورد سؤال قرار خواهند گرفت و وی در رابطه با تمام شهود عین رویکرد را بطور منسجم اتخاذ می نماید. در هر صورت، در رابطه با اینکه بررسی اولیه شهود باید توسط وکیل تیم تحقیقات انجام شود، هیچ سؤالی وجود ندارد و در صورتیکه این وظیفه به درستی انجام شود (و من هیچ دلیلی ندارم که فکر کنم این وظیفه به درستی انجام نخواهد شد)، تنها سؤالات اندکی، آنهم در صورتیکه وجود داشته باشد، برای پاسخ دادن باقی می ماند. شرکت کنندگان اصلی می توانند توجه را به هر سؤالی که فکر می کنند نیاز به پیگیری دارد جلب نمایند و این سؤالات با دقت مورد بررسی قرار خواهد گرفت. موضوعات تا به حال به این شکل مورد پیگیری قرار گرفته است و من دلیلی برای تغییر ترتیبات فعلی نمی بینم. علاوه بر این، اگر به وکلای برخی از شرکت کنندگان اصلی بر خلاف قاعده 10، اجازه داده شود تا از شهود سؤال کنند، احتمالاً باید به وکلای تمام شرکت کنندگان اصلی دیگر نیز اجازه مشابه داده شود. این کار به نفع انجام مؤثر و به موقع روند تحقیقات نیست. این کار همچنین به این معنی خواهد بود که شهود مجبور خواهند بود تا مورد سؤال طیف وسیعی از سؤال کنندگان مختلف قرار گیرند و این کار احتمالاً یک روش مؤثر برای دریافت بهترین شهادت از آنها نخواهد بود. حفظ انسجام در این رویکرد مستلزم این خواهد بود که آن عده از خانواده های داغیده، بازماندگان و ساکنین محل که برای ارائه شهادت احضار شده اند نیز آماده باشند تا توسط هر کدام از وکلای سایر شرکت کنندگان اصلی از جمله اداره آتش نشانی لندن، اتحادیه آتش نشانان، شورا و اداره مدیریت امور مستأجرین مورد سؤال قرار گیرند. از نظر من این یک پیامد نامطوب خواهد داشت. لذا من سؤال از شهود را بجز توسط وکیل تیم تحقیقات تنها مطابق با قاعده 10 قواعد تحقیقات اجازه خواهم داد.

9. با توجه به آنچه گفته شد، پیشنهاد ارائه شده توسط وکیل گروه 3 (G3) مبنی بر اینکه شرکت کنندگان اصلی باید فرصت داشته باشند تا به وکیل تیم تحقیقات، خطوط مشخص سؤالات را پیشنهاد نمایند که از شهود پرسیده شود و در صورت نیاز تلاش نمایند تا وکیل تیم تحقیقات را نسبت به ارزش این سؤالات متقاعد سازند، از نظر من معقول به نظر می رسد. اما همانطوریکه در جریان استدلال خود خاطر نشان ساختم، این امر بستگی به این دارد که این خطوط سؤالات خیلی پیش از وقت ارائه شود. از شرکت کنندگان اصلی خواسته شده است تا طرح سؤالات خود را 5 روز کاری قبل تسلیم نمایند اما در عمل آنها همیشه این کار را انجام نداده اند. این امر اجرای مؤثر یک روند این چنینی که وکیل گروه 3 (G3) تقاضا نموده است را خیلی مشکل می سازد. همانطوریکه اظهار داشته ام، تا به حال، شرکت کنندگان اصلی (و اساساً نمایندگان رسمی حقوقی خانواده های داغیده، بازماندگان و ساکنین محل) قبل از اینکه یک شاهد احضار شود، سؤالات کتبی را به تیم تحقیقات ارسال نموده اند و سؤالات بیشتری را در جریان ارائه شهادت توسط شاهد، به وکیل تیم تحقیقات ارائه داده اند. در مواردی که سؤالات به موقع دریافت شده تا به شکل درست توسط وکیل تیم تحقیقات مورد بررسی قرار گیرد، از نظر من این رویکرد به خوبی عمل نموده است و وکیل تیم تحقیقات را

قادر ساخته است تا تداخل را از بین ببرد، سوالات را تصحیح نمایند، آنها را با وضعیت شاهد سازگار نمایند و (در بیشتر موارد) جدول زمانی را مراعات نمایند.

(ب) شهود خانواده های داغدیده، بازماندگان و ساکنین محل

10. به نظر می رسد که در این زمینه به میزان زیادی توافق وجود دارد که باید ترتیباتی اتخاذ شود تا شهود خانواده های داغدیده، بازماندگان و ساکنین محل و سایر کسانی که ممکن است به نحوی آسیب پذیر باشند، بتوانند شهادت شان را با حداقل اضطراب و ناراحتی ارائه نمایند. در تاریخ 2 اوت 2018، مشاور حقوقی تیم تحقیقات به مشاورین حقوقی ساندرز که از تمامی شرکت کنندگان اصلی نمایندگی می کنند در پاسخ به نامه صادر شده آنها در تاریخ 19 جولای 2018 راجع به شهادت کارمندان اتاق کنترل، نامه نوشت. وی در نامه اش طرز العملی را برای حصول اطمینان از اینکه تمام شهود آسیب پذیر حمایت مورد نیاز را دریافت می نمایند، ارائه نمود. در واقع، پیشنهاد وی این بود که من در رابطه با کسانی که تمایل دارند و قادرند تا شهادت دهند، باید به اساس پیشنهادات نمایندگان رسمی حقوقی تصمیم بگیریم که چه قدمهایی باید برای ارائه شهادت آنها به بهترین وجه برداشته شود. تنها در رابطه با کسانی که گفته می شود در زمینه ارائه شهادت به هر شکلی خیلی آسیب پذیر می باشند، پیشنهاد شد که یک فرآیند رسمی از جمله تهیه گزارش های پزشکی باید نیاز باشد. تا جاییکه من آگاهم این پیشنهادات با تصویب عمومی مواجه شد و من پیشنهاد می دهم که آنها را اجرا کنیم مگر اینکه دلایل خوبی در هر مورد انفرادی برای عدم اجرای آنها وجود داشته باشد.

11. در تاریخ 2 اوت 2018، وکیل تیم تحقیقات به نمایندگی رسمی حقوقی آن دسته از خانواده های داغدیده، بازماندگان و ساکنین محل که قرار است به عنوان شاهد احضار شوند، نامه نوشت. هدف این نامه، دادن آگاهی قبلی پیرامون نیت تیم تحقیقات و شروع روند حصول اطمینان راجع به این بود که تمام شهود آسیب پذیر، حمایت لازم را دریافت می کنند. متأسفانه برخی از نمایندگان رسمی حقوقی نتوانستند در ظرف مدت زمان تقاضا شده توسط تیم تحقیقات پاسخ دهند و در واقع هنوز هم منتظر برخی از پاسخ ها هستیم. برای حصول اطمینان از اتخاذ ترتیبات مؤثر برای تأمین مترجمین و تدابیر ویژه از جمله لنک ویدیوی زنده، تیم تحقیقات به کمک فوری نمایندگان رسمی حقوقی افراد مورد نظر نیاز دارد. فعلاً باید آنها بتوانند تیم تحقیقات را در ظرف چند روز مطلع سازند که آیا شاهد مشخصی به مترجم و یا نوعی از تدابیر خاص نیاز دارد یا خیر.

12. اگرچه راجع به این موضوع در جلسه دادرسی رویه ای، تقاضای اظهارات بیشتر نمودم، اما وکلای بسیاری از خانواده های داغدیده، بازماندگان و ساکنین محل و همچنین اتحادیه آتش نشانان و شهردار لندن پیشنهاد نمودند که باید یک محل دیگر به منظور اخذ شهادت از خانواده های داغدیده، بازماندگان و ساکنین محل پیدا شود زیرا (گفته می شود) که در هلبورن بارز فضای کافی برای جای دادن همه کسانی که می خواهند شرکت کنند وجود ندارد. من موافقم که مهم است تا زمینه اشتراک افراد علاقمند در آن دسته از جلسات دادرسی فراهم شود که خانواده های داغدیده، بازماندگان و ساکنین محل به ارائه شهادت می پردازند. لذا من از دبیر تیم تحقیقات خواستم تا یکبار دیگر، امکان استفاده از محل های بدیل از جمله هتل ملینیوم در خیابان گلاستر را بررسی کند. بررسی وی نشان داد که هیچ محل بدیل مناسب که بتواند میزبان یک جلسه دادرسی چهار هفته ای در مدت یک ماه باشد و زیرساختهای حداقلی فیزیکی و تسهیلات لازم ارتباطی را داشته باشد، وجود ندارد. لذا لازم است تا شهادت خانواده های داغدیده، بازماندگان و ساکنین محل در هلبورن بارز اخذ شود اما من تلاشهای خودم را به بهترین وجه ادامه خواهم داد تا اطمینان حاصل نمایم که تمام کسانی که به روند تحقیقات علاقمندند و می خواهند تا در جلسات دادرسی شرکت نمایند، بتوانند این کار را انجام دهند و جریان تحقیقات را تا حد امکان از نزدیک پیگیری نمایند.

13. وکلای گروه 3 (G3) و گروه 11 (G11) اظهار داشتند که آنها خودشان به جای وکیل تیم تحقیقات باید از شهودی که نمایندگی شان را برعهده دارند تحقیق نمایند. به گفته آنها این کار باعث می شود که این روند برای آنها کمتر اضطراب آور باشد و آنها را قادر خواهد ساخت تا بهترین شهادت ممکن را ارائه نمایند.

14. همانطوریکه قبلا اظهار داشته ام، قاعده 10(1) مربوط به قواعد تحقیقات کاملا در رابطه با این نکته روشن است. وکیل تیم تحقیقات مسئولیت این را دارد تا شهودی را اظهار نماید که وی فکر می کند می تواند اطلاعاتی را ارائه نمایند که احتمالا تیم تحقیقات را در انجام وظایفش کمک نماید. وی در مقایسه با هر فرد دیگری بهتر می تواند درک نماید که کدام شهادت می تواند و یا نمی تواند به تیم تحقیقات کمک نماید و همچنین بهتر می تواند سوالات مناسب را بر اساس آن طرح نماید. وی یک مسئولیت عمومی در رابطه با تنظیم امور شهود و حصول اطمینان از پیشبرد مؤثر جریان تحقیقات را برعهده دارد. قاعده 10(2) که در مکاتبات به آن اشاره شده است فقط در مواردی کاربرد دارد که از یک شاهد قبلا توسط وکیل تیم تحقیقات سؤال شده باشد. اما در هر صورت من فکر نمی کنم که این به نفع پیشبرد مؤثر و به موقع روند تحقیقات باشد که به وکلای مختلف که وکالت شاهدان انفرادی را برعهده دارند اجازه داده شود تا کنترل این بخش از جریان تحقیقات را بر عهده بگیرند. رویکرد پیشنهاد شده توسط وکلای خانواده های داغیده، بازماندگان و ساکنین محل نمی تواند به موکلین آنها محدود باقی بماند، چراکه ملاحظات مشابهی می تواند به شکل مشابه در رابطه با شهودی که از نزدیک با سایر شرکت کنندگان اصلی ارتباط دارند مصداق داشته باشد. قاعده 10 زمینه این را فراهم می نماید که نمایندگان حقوقی رسمی برای اجازه سؤال از یک شاهد درخواست ارائه نمایند. وکیل گروه 11 (G11) خاطر نشان ساخته است که وی ممکن است در زمان مناسب آن چنین درخواستی را ارائه دهد. در این مرحله در رابطه با این موضوع، چیزی برای گفتن ندارم بجز اینکه اظهار نمایم که من تمام چنین درخواستهایی را به محض ارائه شدن مورد بررسی قرار خواهم داد.

15. وکلای گروه 3 (G3) و گروه 11 (G11) نگرانی خود را پیرامون شمار خانواده های داغیده، بازماندگان و ساکنین محل که برای ارائه شهادت احضار خواهند شد، ابراز داشته اند. تیم تحقیقات با دقت اظهارات ارائه شده توسط خانواده های داغیده، بازماندگان و ساکنین محل را مورد بررسی قرار داده است و قصد دارد کسانی را به عنوان شاهد احضار نماید که به نظر می رسد احتمالا در رابطه با شرایط ایجاد شده در برج در جریان آتش سوزی، بهترین توضیح را ارائه می نمایند. (سایر موضوعات از قبیل مدیریت شکایات توسط سازمان مدیریت امور مستأجرین (TMO) و پاسخ مقامات به تراژدی، بعدا در جریان تحقیقات مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت). شهادت آنها در رابطه با خود آتش سوزی احتمالا نوعی از ادله مستقیم را در اختیار ما قرار خواهد داد که به کارشناسان و من در درک علت گسترش آتش سوزی، کمک خواهد نمود. تمام کسانی که اظهاریه ارائه نموده اند برای ارائه شهادت شفاهی احضار خواهند شد. اما همانطوریکه در مناسبت های قبلی گفتم، می خواهم روشن بسازم که تمام اظهاریه هایی که خانواده های داغیده، بازماندگان و ساکنین محل به تیم تحقیقات ارائه نموده اند بخشی از بایگانی رسمی اسناد خواهد بود و در زمان مناسب منتشر خواهد شد. در پاسخ به تقاضای صورت گرفته توسط وکیل گروه 3 (G3)، لیستی از آن دسته از خانواده های داغیده، بازماندگان و ساکنین محل که تیم تحقیقات فعلا قصد دارد آنها را برای ارائه شهادت احضار نماید، همراه با یک برنامه موقتی به اشتراک گذاشته شده است.

(ج) کاربرد ماده دوم

16. به نظر می رسد که یک اجماع وسیع در این زمینه وجود دارد که بیشتر شواهد مربوط به یافته ها که برای ادای مسئولیت دولت در چارچوب ماده 2 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مورد نیاز است تا پایان مرحله اول به دسترس قرار داده خواهد شد. وکیل گروه 4 (G4) پیشنهاد نمود که حقوقدانانی که به نمایندگی از خانواده های داغیده عمل می کنند باید در زمینه ترتیب شواهد مرتبط با شرایطی که در آن عزیزان شان، جان خود را از دست دادند، رهبری

را بر عهده بگیرند. وی همچنین پیشنهاد داد که باید برای یک جلسه دادرسی خاص، زمان اختصاص داده شود که طی آن بتوان شواهد مربوط به هر کدام از جان باختگان را به صورت عمومی، جمع آوری و ارائه نمود. وکیل گروه 3 (G3) از این پیشنهادات حمایت نمود و وکیل تیم تحقیقات نیز بعد از بررسی های لازم از این پیشنهادات استقبال نموده است.

17. من نیز از این پیشنهادات استقبال می کنم. از نظر من، جمع آوری و ارائه شواهدی که تا آن زمان بعد از چندین هفته مطرح خواهد شد، به این شکل، به کار تحقیقات خیلی کمک خواهد نمود. اگرچه من باید لزوماً مسئولیت یافته های تیم تحقیقات را برعهده بگیرم، اما اظهارات مفصل همراه با تحلیل کتبی در هر شکلی که راحتتر است، احتمالاً در زمینه تهیه آن بخش از گزارش می تواند خیلی کمک نماید. از نظر من، روندی از این نوع که در آن تمام نمایندگان خانواده های داغیده، بازماندگان و ساکنین محل، بدون هیچ نوع تردیدی می خواهند همکاری نمایند، به بهترین وجه می تواند بعد از تکمیل شواهد مرحله اول و بعد از اینکه اظهارات اختتامیه در رابطه با سایر موضوعات ارائه شود، انجام شود. باید بررسی های بیشتری راجع به رهنمودهای مفصل تر مورد نیاز برای اجرای مؤثر این روند صورت گیرد اما مهم است که همین حالا برنامه ریزی را برای آن آغاز نمایم.

18. از نظر من در رابطه با این جنبه مشخص از کار تیم تحقیقات نیز بجای این که این وظیفه را به وکیل تیم تحقیقات محول نمایم، وکلای هر کدام از خانواده های داغیده، بازماندگان و ساکنین محل که عزیزان شان را در آتش سوزی از دست داده اند باید بتوانند پیرامون شواهدی که مربوط به موضوعات مرتبط با ماده 2 می شود و تا جاییکه به هر کدام از جان باختگان ارتباط می گیرد با من صحبت کنند. با توجه به آنچه گفته شد، من انتظار دارم که بین وکلای خانواده های داغیده، بازماندگان و ساکنین محل و وکیل تیم تحقیقات در ارتباط با زمانبندی، ماهیت و محتوای اظهارات شفاهی آنها، رابطه نزدیک وجود داشته باشد.

19. سوالاتی راجع به این مطرح شد که تیم تحقیقات چگونه باید شواهد موجود در تماس های صورت گرفته به 999 توسط جان باختگان و سایر ساکنین برج در جریان آتش سوزی را مورد رسیدگی قرار دهد. تیم تحقیقات پیش از این روشن ساخته است که تنها در صورتیکه یک توجیه مستدل وجود داشته باشد، 999 تماس ضبط شده را برای یک شاهد پخش خواهد نمود. متن تماس های صورت گرفته به 999 در دسترس است و بیشتر شواهد مرتبط را ارائه می کند. بر این اساس، هر نوع درخواستی برای پخش نمودن یک تماس ضبط شده برای یک شاهد باید به شکل کتبی و با ارائه دلایل صورت گیرد. اینکه آیا در چارچوب جلسات دادرسی ماده 2، به پخش یک تماس مشخص ضبط شده از این مجموع نیاز است یا خیر، موضوعی است که می تواند در صورت لزوم بین وکیل تیم تحقیقات و وکلای خانواده های داغیده، بازماندگان و ساکنین محل مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

(د) توصیه های موقتی

20. وکیل گروه 4 (G4)، سه دسته از کاستی های سیستمیک را تشخیص داد که به گفته وی، ارائه توصیه ها در یک مرحله اولیه را توجیه می کند اما با توجه به اینکه از وی چنین کاری خواسته نشده است، وی از ارائه هرگونه پیشنهاد مشخص در این زمینه اجتناب نمود. اما با وجود این، وی روشن ساخت که از یک فرآیند رسمی استقبال می کند که از طریق آن تمام شرکت کنندگان اصلی بتوانند پیشنهاداتی را برای بررسی توسط دیگران ارائه نمایند و در صورت لزوم یک جلسه دادرسی کوتاه برای بررسی این پیشنهادات برگزار شود. وی پیشنهاد نمود که تیم تحقیقات باید یک تاریخ را برای ارائه توصیه های بالقوه توسط شرکت کنندگان اصلی و دریافت پاسخ ها تعیین نماید.

21. باید بخاطر داشته باشیم که حتی در مرحله اول، هنوز شواهد کامل نیست و من بدون اینکه مطمئن شوم توصیه ها مبتنی بر شواهد معتبر است و به شکل درست توسط شرکت کنندگان اصلی مورد بررسی قرار گرفته و همچنین مورد حمایت کارشناسان روند تحقیقات قرار دارد، در رابطه با ارائه هر گونه توصیه ای محتاط خواهم بود. چیزی که برای یک فرد، روشن است (حتی "کاملاً واضح" است) اغلب برای یک فرد دیگر، روشن نیست. اما با توجه به اهمیت تشخیص فوری هر گونه تدابیری که از شواهد ارائه شده به تیم تحقیقات استنباط شده و به نظر می رسد که می تواند به شکل قابل توجهی به بهبود ایمنی کسانی که در سایر برج ها زندگی ویا کار می کنند، کمک نماید، از نظر من مفید خواهد بود تا شروع به بررسی پیشنهادات مختلفی نمایم که پیش از این ارائه شده است و همچنین سایر پیشنهاداتی که ممکن است به ذهن خطور نماید. وکیل گروه 3 پیشنهاد نمود که نقطه آغاز برای هرگونه بررسی توصیه های موقتی باید این باشد که اداره آتش نشانی لندن به تیم تحقیقات بگوید که چه گام هایی را در پاسخ به آتش سوزی از قبل برداشته است و چه تدابیری را پیشنهاد می دهد. این پیشنهاد مورد حمایت وکیل تیم تحقیقات قرار گرفت و وی پیشنهاد داد که وزارت مسکن، محلات و حکومت محلی، وزارت کشور و شهردار لندن به این لیست اضافه شوند و من با خوشحالی این را می پذیرم.

22. بنا براین، من می خواهم جدول زمانی ذیل را پیشنهاد نمایم:

(الف) تا روز جمعه 26 اکتبر 2018، اداره آتش نشانی لندن، وزارت مسکن، محلات و حکومت محلی، وزارت کشور و شهردار باید به صورت رسمی یک اظهار نامه را به تیم تحقیقات ارائه نمایند و در آن با جزئیات کافی، اقدامات قبلی اتخاذ شده برای رسیدگی به مسائل ایمنی عمومی که در ارتباط با آتش سوزی مطرح شده است، منطبق حاکم بر این اقدامات و هر گونه تدابیر بیشتری که فعلاً در نظر دارند اتخاذ نمایند را توضیح دهند. این اظهار نامه باید با شواهد مستند همراه باشد و باید فرد و یا افرادی که در داخل سازمان مسئول اصلی اقدامات صورت گرفته می باشند را معرفی نماید.

(ب) الی روز جمعه 14 دسامبر 2018، تمام شرکت کنندگان اصلی، در صورت علاقمندی، باید پیشنهادات شان را برای توصیه های موقتی به تیم تحقیقات بفرستند.

(ج) تا روز جمعه 11 ژانویه 2019، تمام شرکت کنندگان اصلی، در صورت علاقمندی، باید نظرات شان را پیرامون پیشنهادات به تیم تحقیقات بفرستند.

(د) تا روز جمعه 18 ژانویه 2019، کارشناسان روند تحقیقات باید گزارش های کوتاه را تهیه نمایند و در آن دیدگاه های شان را پیرامون توصیه های موقتی پیشنهاد شده ارائه نمایند.

(ه) در جریان هفته ای که با روز دوشنبه 28 ژانویه و یا دوشنبه 4 فوریه 2019 آغاز می شود، یک جلسه دادرسی برگزار خواهد شد که در آن اظهاریه ها پیرامون توصیه های موقتی و هر گونه شهادت شفاهی توسط کارشناسان که مورد نیاز باشد، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

23. دلیل اینکه من اواسط دسامبر را برای ارائه اظهاریه ها پیشنهاد دادم اینست که تیم تحقیقات نیاز دارد تا نظر کارشناسان خود را پیرامون موضوعات مرحله اول بشنود تا بتواند هرگونه توصیه موقتی فوری را مورد بررسی قرار دهد. به اساس جدول زمانی فعلی، من امیدوارم که تا اواسط دسامبر، شهادت کارشناسان در مرحله اول تکمیل شود و شرکت کنندگان اصلی فرصت کافی برای بررسی آنها را داشته باشند. من درک می کنم که شاید بعضی ها این جدول زمانی پیشنهادی را خیلی آهسته و کند تلقی کنند. اما اگر روشن شد که بعضی از توصیه های مهم موقتی، بدون نیاز به شواهد بیشتر و یا بدون بحث با جوانب ذیعلاقه، می تواند ارائه شود، من آنها را به صورت فوری مورد بررسی قرار خواهم داد.

24. اگرچه من اظهاریه ها را فقط در چارچوب رویکرد تشخیص و تدوین توصیه های بالقوه مطالبه نموده بودم، اما وکلای برخی از خانواده های داغیده، بازماندگان و ساکنین محل و همچنین وکیل اتحادیه آتش نشانان پیشنهادات مشخصی را برای توصیه هایی که به گفته آنها باید به صورت فوری صورت گیرد، ارائه نمودند. وکیل گروه 3 (G3) پیشنهاد نمود که من باید یک مهلت قانونی فوری را برای استفاده از آن دسته از مواد در سیستم روکش فلزی تمام ساختمان های مرتفع وضع نمایم که از نظر قابلیت احتراق در کلاس اروپایی A1 قرار نمی گیرد. اما حکومت اخیراً یک مشورت عمومی را در رابطه با پیشنهادش مبنی بر ممنوعیت استفاده از مواد قابل حریق در روکش ساختمان های مرتفع برگزار نمود و یکی از سؤالاتی که در این روند مشورتی مطرح شد این بود که آیا استاندارد حداقلی مواد باید نوع A1 باشد یا نوع A2. تفاوت بین این دو نسبتاً اندک است و در این گونه شرایط من فکر نمی کنم که مفید باشد تا بدون کمک گرفتن از شواهد بیشتر و تا زمانیکه پاسخ حکومت به این روند مشورتی ارائه نشده است، یک مهلت زمانی فوری را در رابطه با استفاده از مواد نوع A2 توصیه نمایم. اما این نباید مانع شامل شدن این پیشنهاد در فرآیندی شود که پیش از این به آن اشاره نمودم.

25. گروه 11 (G11) نیز لیست فشرده ای از توصیه های پیشنهادی را در اختیار تیم تحقیقات قرار داده است که به گفته آنها همه این توصیه ها کاملاً واضح بوده و مستلزم شواهد بیشتر و یا مشورت بیشتر نیست. اما همه با این نظر موافق نیستند و یا حد اقل تاکنون هیچ اجماع واضحی در میان شرکت کنندگان اصلی راجع به هیچکدام از این توصیه های پیشنهادی ایجاد نشده است. این توصیه ها نیز می تواند در چارچوب رویه ای که در بالا توضیح دادم مورد بررسی قرار گیرد.

26. اتحادیه آتش نشانان تعدادی توصیه پیشنهادی را به منظور بهبود پاسخ عملیاتی اداره آتش نشانی لندن به آتش سوزی در ساختمان های مرتفع مسکونی ارائه نمود. اما از اظهاریه های اداره آتش نشانی لندن پیداست که بعضی از این توصیه ها پیش از این اجرا شده و یا قرار است اجرا شود و سایر توصیه ها می تواند در چارچوب رویه ای که در بالا ذکر کردم مورد بررسی قرار گیرد.

به اشتراک گذاری

27. اگرچه به اشتراک گذاری یکی از موضوعات مورد بررسی در جلسه دادرسی نبود، اما وکیل گروه 3 (G3) این موضوع را مطرح ساخت و شکایت نمود که تیم تحقیقات تا کنون کمتر از 5% از اسنادی که دریافت نموده است را در اختیار شرکت کنندگان اصلی قرار داده است. متأسفانه ماهیت نادرست اظهارات وی باعث شد تا مردم اشتباهات فکر کنند که تیم تحقیقات عمداً اسناد مرتبط با موضوعاتی که فعلاً در مرحله اول تحت بررسی قرار دارد را از آنها مخفی نگه می دارد. این موضوع همانطوریکه وکیل تیم تحقیقات روشن ساخت، واقعیت ندارد. اکثر اسناد مرتبط با مرحله اول به اشتراک گذاشته شده است. تعداد اندکی از اسناد که تنها در همین اواخر در اختیار تیم تحقیقات قرار گرفته است هنوز به اشتراک گذاشته نشده است. این اسناد فعلاً تحت مرور تیم تحقیقات قرار دارد و در اسرع وقت بعد از پایان مرحله بررسی، به اشتراک گذاشته خواهد شد. درست است که در کل تنها بخش کوچکی (تنها کمتر از 400000) از کل اسنادی که توسط تیم تحقیقات دریافت شده است تا کنون به اشتراک گذاشته شده است، اما نشانه های فعلی بیانگر آنست که اکثر اسنادی که هنوز به اشتراک گذاشته نشده است فقط مربوط به موضوعاتی است که در مرحله دوم مورد بررسی قرار خواهد گرفت. تمام اسنادی که توسط تیم تحقیقات دریافت می شود باید مورد بررسی قرار گیرد تا آن دسته از اسناد که نامرتب و تکراری است حذف شود و بقیه اسناد باید مطابق با پروتکل اصلاح و ویرایش اسناد مورد بررسی قرار گیرد تا اطمینان حاصل شود که تیم تحقیقات به تعهدات خود در چارچوب قانون حفاظت از اطلاعات عمل می کند. انجام این کار، زمانگیر است اما تیم تحقیقات تمام تلاش خود را به خرج

می دهد تا اطمینان حاصل نماید که این کار در اسرع وقت ممکن تکمیل می شود. اسناد به محض اینکه به دسترس تیم تحقیقات قرار گیرد و برای جلسات دادرسی مرحله دوم آماده شود، در اختیار شرکت کنندگان اصلی قرار خواهد گرفت. وکیل تیم تحقیقات در آینده خیلی نزدیک در رابطه با این موضوع، اظهاراتی خواهد داشت.